

اثر اشتغال زنان کارگر بر تعداد فرزندان

عذرا جاراللهی

مقدمه

ایران از جمله کشورهایی است که با رشد بی‌رویه جمعیت روبرو است. بررسی‌های آماری نشان می‌دهد که جمعیت ایران از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۷۰ یعنی طی ۱۵ سال، ۲۳ میلیون نفر افزایش داشته است و این در حالی است که در سوئیس طی ۱۰ سال گذشته تنها نیم میلیون نفر بر جمعیت این کشور افزوده شده است^۱. بدون شک چنین رشدی نه تنها برای خانواده‌های پر اولاد، بلکه برای جامعه ما از جهات گوناگون منجمله در زمینه‌های اقتصادی - اجتماعی یک خطر جدی است. طبق گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران هر ساله ۳۰ درصد از نیاز غذایی ایران از خارج وارد می‌شود که در صورت ادامه روند رشد جمعیت، این رقم در سال ۱۳۸۵ به ۶۰ درصد خواهد رسید. این در حالی است که به گفته کارشناسان سازمان جنگل‌ها و مراتع هر ساله یک میلیون هکتار از خاک ایران به کویر تبدیل می‌شود. از طرف دیگر، با افزایش

جمعیت و ضرورت تامین مسکن جمعیت افزوده شده، هر ساله بخش قابل ملاحظه‌ای از زمین‌های زراعی به ساخت و تامین مسکن اختصاص می‌یابد. هر ساله احداث ۳۰ هزار کلاس درس پاسخگوی یک میلیون دانش‌آموزی که سالانه به جمعیت کشور اضافه می‌شوند نیست و...^۲ علاوه بر این مدیرکل کنترل جمعیت و تنظیم خانواده وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی اعلام می‌دارد که سالانه ۳۳۰ هزار نفر به جمعیت جویای کار در کشور افزوده می‌شود.^۳

گرچه عوامل متعددی منجمله عوامل بهداشتی و کلینیکی در نوسانات سطح باروری و در نتیجه جمعیت کشور دخالت دارند، لیکن بررسی‌های مقدماتی نشان می‌دهد که وضعیت اشتغال زنان نیز یکی از عوامل عمده بر تعداد فرزندان آنان می‌باشد، بدین معنی که تعداد فرزندان زنان شاغل کمتر از تعداد فرزندان زنان خانه‌دار است. بدین جهت تصمیم گرفته شد که اثر این عامل بر روی تعداد فرزندان یکی از اقشار نسبتاً محروم و پراولاد این جامعه، یعنی قشر کارگر مورد آزمون قرار گیرد.

نتایج این تحقیق مسئولین مربوطه را قادر خواهد ساخت تا لااقل برای پاره‌ای از مسائل جمعیتی خانواده‌های این قشر به چاره‌جویی بپردازند.

روش تحقیق

این تحقیق از نوع مقایسه‌ای است که به روش شبه آزمایش انجام شده است. در روش شبه آزمایش، دو جامعه که از نظر صوری به هم شبیه هستند ولی از یک جهت متفاوتند، برای کشف آثار این تفاوت مورد مقایسه قرار می‌گیرند. در این پژوهش دو جامعه مشابه کارگری که فقط از جهت وضعیت اشتغال زن (متغیر مستقل) متفاوت هستند، به شرح ذیل برگزیده شده‌اند تا اثر این متغیر مستقل روی تعداد فرزند مورد مطالعه قرار گیرد:

الف - جامعه مورد مطالعه: زنان کارگر متاهل شاغل در کارخانه تولیدارو = (۱۳۰ نفر).

ب - جامعه مورد مقایسه: زنان خانه‌داری که همسرانشان در کارخانه فوق‌الذکر به

شغل کارگری اشتغال داشته‌اند = (۴۲۱ نفر).

از جامعه مورد مطالعه نمونه‌گیری بعمل نیامده است و کلیه ۱۳۰ نفر زن متاهل کارگر مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. ولی از بین ۴۲۱ نفر زن متاهل خانه‌دار که در جامعه مورد مقایسه قرار داشته‌اند، ۱۳۰ نفر (حدود ۱/۳) به طریق تصادفی ساده انتخاب شده‌اند. بدین ترتیب این پژوهش مجموعاً بر روی ۲۶۰ نفر انجام شده است. ضمناً لازم به یادآوری است که به دلیل مشابه بودن دو جامعه آماری نیازی به بررسی متغیرهای کنترل نبوده است، زیرا این خود نوعی کنترل است.

اطلاعات لازم از طریق پرسشنامه که بوسیله مصاحبه با افراد مورد نظر تکمیل شده، جمع آوری شده است. علاوه بر آن، برای اطمینان به صحت پاره‌ای از پاسخ‌ها، اسناد و مدارک، شامل پرونده پاسخگویان به عنوان روش تکمیلی مورد استفاده قرار گرفته است. تحلیل اطلاعات به کمک کامپیوتر و با استفاده از نرم‌افزار spss انجام شده است. برای تحلیل جداول از محاسبات آماری گوناگون شامل مقایسه فراوانی‌ها، مقایسه درصدها، آزمون‌های کای اسکویر و χ^2 و ضرایب بستگی کرامر، فی و گاما استفاده شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

سنجش اثر اشتغال زنان بر تعداد فرزندان با توجه به تعداد فرزندان دلخواه^۴ و فرزندان واقعی^۵ زنان مورد مطالعه، بعمل آمده است.

فرزندان دلخواه

در پاسخ به این سؤال که دوست دارید (داشتید) چند فرزند داشته باشید؟ $3/37\%$ از زنان کمتر از ۳ بچه و $7/62\%$ بقیه ۳ بچه یا بیشتر را ذکر کرده‌اند (جدول ۱). چنانچه مشاهده می‌کنیم، نظر اغلب زنان در مورد تعداد فرزند از الگوی سنتی تبعیت می‌کند. معهذاً زنان شاغل بیشتر از زنان غیرشاغل مایل به داشتن فرزند کمتری هستند. طبق جدول شماره ۱، $4/45\%$ از زنان شاغل در مقابل $2/29\%$ از زنان غیرشاغل مایل به داشتن کمتر از ۳ بچه هستند و برعکس، $8/70\%$ از زنان غیرشاغل در مقابل $6/54\%$ از زنان شاغل ۳ بچه و یا بیشتر را ترجیح می‌دهند. چون مقدار عددی تابع آزمون (test statistic) در ناحیه بحرانی قرار گرفته است (مقدار مشاهده شده تابع آزمون بزرگتر از عدد بحرانی χ^2 می‌باشد)، بنابراین فرضیه صفر (H_0) یعنی فرضیه عدم وجود بستگی بین دو صفت وضعیت اشتغال زنان و تعداد فرزند دلخواه آنان رد می‌شود و فرضیه مقابل (H_1) یعنی وجود بستگی بین دو صفت فوق پذیرفته می‌شود. محاسبه ضریب بستگی با دستور فی ($\phi = 0/16701$) بستگی ضعیفی را بین دو صفت فوق نشان می‌دهد.

جدول ۲ نشان می‌دهد که در هر یک از دو گروه مورد مطالعه، با افزایش مدت ازدواج زنان، تعداد فرزند دلخواه آنان افزایش می‌یابد و بالعکس. در گروه زنان شاغل، 60% از زنانی که کمتر از یک سال است ازدواج کرده‌اند در مقابل $4/34\%$ از زنانی که مدت ازدواج آنان بیش از ۱۱ سال است، مایل به داشتن کمتر از ۳ فرزند هستند و برعکس، $6/65\%$ از زنانی که مدت ازدواج آنان ۱۱ سال به بالا است در مقابل 40% از زنانی که کمتر از یک سال از ازدواجشان می‌گذرد، ۳ فرزند و یا بیشتر را ترجیح می‌دهند.

چون مقدار عددی تابع آزمون در ناحیه بحرانی قرار گرفته است (مقدار مشاهده شده تابع آزمون بزرگتر از عدد بحرانی χ^2 می باشد)، بنابراین فرضیه صفر (H_0) یعنی فرضیه عدم وجود بستگی بین دو صفت مدت ازدواج زنان و تعداد فرزند دلخواه آنان در گروه شاغلین رد می شود و فرضیه مقابل (H_1) یعنی وجود بستگی بین دو صفت فوق پذیرفته می شود. محاسبه ضریب بستگی با دستور کرامر ($\text{cramer's } v = 0/33657$) بستگی نسبتاً متوسطی را بین دو صفت فوق نشان می دهد.

در گروه زنان غیر شاغل نیز چنین است. ۶۰٪ از زنانی که مدت ازدواج آنان کمتر از یک سال است در مقابل ۱۳/۲٪ از زنانی که مدت ازدواج آنان بیش از ۱۱ سال است خواهان فرزند کمتری (۱ تا ۲) هستند و برعکس، ۸/۸٪ از زنانی که مدت ازدواج آنان ۱۱ سال به بالا است در مقابل ۴۰٪ از زنانی که کمتر از یکسال از ازدواجشان می گذرد خواهان فرزند بیشتری (۳ به بالا) می باشند.

چون مقدار عددی تابع آزمون در ناحیه بحرانی قرار گرفته است، فرضیه صفر (H_0) یعنی فرضیه عدم وجود بستگی بین دو صفت مدت ازدواج زنان و تعداد فرزند دلخواه آنان در گروه غیرشاغلین رد می شود و فرضیه مقابل (H_1) یعنی وجود بستگی بین دو صفت فوق پذیرفته می شود. محاسبه ضریب همبستگی با دستور کرامر ($\text{cramer's } v = 0/25600$) بستگی نسبتاً ضعیفی را بین دو متغیر فوق نشان می دهد.

نظر شوهران نیز مانند نظر همسران خود از الگوی سنتی پیروی می کند. ۲۸/۵٪ از زنان اظهار داشته اند که شوهرانشان مایل به داشتن کمتر از ۳ فرزند هستند، ۵۰/۴٪، ۳ فرزند و یا بیشتر را ذکر کرده اند و ۲۱/۲٪ بقیه از نظر شوهر خود بی اطلاعند (جدول ۳). معهذاً شوهران زنان شاغل بیش از شوهران زنان غیرشاغل مایل به داشتن فرزند کمتری هستند. طبق جدول شماره ۳، ۳۸/۵٪ از همسران زنان شاغل در مقابل ۱۸/۵٪ از همسران زنان غیرشاغل خواهان کمتر از ۳ فرزند هستند و برعکس، ۵۶/۲٪ از همسران زنان غیرشاغل در مقابل ۴۴/۶٪ از همسران زنان شاغل، ۳ فرزند و یا بیشتر را ترجیح می دهند.

چون مقدار عددی تابع آزمون در ناحیه بحرانی قرار گرفته است، فرضیه صفر (H_0) یعنی فرضیه عدم وجود بستگی بین دو صفت وضعیت اشتغال زنان و تعداد فرزند دلخواه همسران آنان رد می شود و فرضیه مقابل (H_1) یعنی وجود بستگی بین دو صفت فوق پذیرفته می شود. محاسبه ضریب بستگی با دستور کرامر ($\text{cramer's } V = 0/22406$) بستگی نسبتاً ضعیفی را بین دو صفت فوق نشان می دهد.

چنانچه در این نظرخواهی ملاحظه می کنیم، از یک سو، زنان شاغل و همسران آنان بیش از زنان خانه دار و همسرانشان خواهان فرزند کمتر هستند، اما از سوی دیگر، با افزایش مدت

ازدواج، تمایل زنان به داشتن فرزند بیشتر افزایش می‌یابد.

فرزندان واقعی

در این بررسی، همانگونه که ذکر شد، تعداد فرزندان در قید حیات زنان که از ازدواج حاضر و یا از ازدواج‌های گذشته به دنیا آمده‌اند، بدون توجه به محل زندگی آنان مورد نظر است. طبق جدول شماره ۴، بین وضعیت اشتغال زنان و تعداد فرزندان واقعی آنان رابطه معنی‌داری مشاهده می‌گردد. بعبارت دیگر، تعداد فرزندان زنان شاغل کمتر از تعداد فرزندان زنان خانه‌دار است. مقایسه درصدها نشان می‌دهد که ۵۷/۷٪ از زنان شاغل در مقابل ۴۷/۷٪ از زنان غیرشاغل ۱ تا ۲ فرزند دارند، برعکس، ۴۰/۸٪ از زنان غیرشاغل در مقابل ۲۳/۸٪ از زنان شاغل دارای ۳ فرزند و یا بیشتر هستند.

چون مقدار عددی تابع آزمون در ناحیه بحرانی قرار گرفته است، فرضیه صفر (H_0) یعنی فرضیه عدم وجود بستگی بین دو صفت وضعیت اشتغال زنان و تعداد فرزندان آنان رد می‌شود و فرضیه مقابل (H_1) یعنی وجود بستگی بین دو صفت فوق پذیرفته می‌شود. محاسبه ضریب بستگی با دستور کرامر ($\text{cramer's } V = 0/18680$) بستگی نسبتاً ضعیفی را بین دو صفت فوق نشان می‌دهد.

علاوه برآن، برای مقایسه اختلاف میانگین‌های تعداد فرزندان زنان در دو جامعه زنان شاغل و زنان غیرشاغل از ملاک آزمون براساس تابع نمونه‌ای t استودنت استفاده شده است. حجم نمونه از جامعه اول $n_1 = 130$ و میانگین تعداد فرزند متناظر در آن $\bar{x}_1 = 1/7538$ حجم نمونه از جامعه دوم $n_2 = 130$ و میانگین تعداد فرزند متناظر در آن $\bar{x}_2 = 2/4651$ و t محاسبه شده برای دو نمونه ($P < 0/01$, $df = 258$, $t = -3/37$) می‌باشد. چون مقدار عددی تابع نمونه‌ای t استودنت در ناحیه بحرانی قرار گرفته است، بنابراین فرضیه صفر (H_0) یعنی عدم اختلاف بین میانگین تعداد فرزندان زنان در دو جامعه، رد می‌شود و فرضیه مقابل (H_1) یعنی وجود اختلاف بین میانگین‌ها در دو جامعه تایید می‌گردد.

جدول شماره ۵ نشان می‌دهد که در هر یک از دو گروه مورد مطالعه، با افزایش مدت ازدواج، به تعداد فرزندان زن اضافه می‌گردد. ۱۰۰٪ زنان شاغلی که کمتر از یک سال از ازدواجشان می‌گذرد هنوز هیچ فرزندی ندارند، با افزایش مدت ازدواج بدون فرزندان کاسته شده و در بین زنانی که بیش از ۱۱ سال است که ازدواج کرده‌اند به ۶/۳٪ می‌رسد. این گروه آخر معمولاً زنانی هستند که به دلایلی صاحب فرزند نمی‌شوند. در سطح میانی، ۷۰/۸٪ از زنانی که ۱ - ۵ سال از ازدواجشان می‌گذرد ۱ تا ۲ فرزند دارند، با افزایش مدت ازدواج از این درصد کاسته شده و در بین زنانی که بیش از ۱۱ سال است ازدواج کرده‌اند به ۴۶/۹٪ می‌رسد.

برعکس، در حالیکه ۴۶/۹٪ از زنانی که بیش از ۱۱ سال از ازدواجشان می‌گذرد ۳ بچه یا بیشتر دارند، این درصد در بین کسانی که ۵ - ۱ سال است که ازدواج کرده‌اند به ۱۲/۵٪ می‌رسد. چون مقدار عددی تابع آزمون در ناحیه بحرانی قرار گرفته است (مقدار مشاهده شده تابع آزمون بزرگتر از عدد بحرانی χ^2 می‌باشد)، بنابراین فرضیه صفر (H_0) یعنی فرضیه عدم وجود بستگی بین دو صفت مدت ازدواج زنان و تعداد فرزندان آنان در گروه شاغلین رد می‌شود و فرضیه مقابل (H_1) یعنی وجود بستگی بین دو صفت فوق پذیرفته می‌شود. نتیجه محاسبه ضریب بستگی با دستور گاما ($G = 0/61269$) نشان می‌دهد که اولاً - بین مدت ازدواج زن و تعداد فرزندان او ارتباط مستقیمی وجود دارد. ثانیاً - شدت این ارتباط با توجه به تغییرات ($-1 \leq G \leq +1$) نسبتاً متوسط است.

در گروه زنان غیر شاغل رابطه فوق نیز برقرار است، با این تفاوت که با توجه به G محاسبه شده که مساوی ۰/۹۴۲۳۶ می‌باشد، رابطه نسبتاً شدیدی بین دو متغیر مورد بررسی وجود دارد.

جدول ۶ نشان می‌دهد که در هر یک از دو گروه مورد مطالعه، با افزایش سطح سواد زنان از تعداد فرزندان آنان کاسته می‌گردد. در گروه شاغلین ۴/۹٪ از زنانی که از سطح سواد پائینی برخوردارند بدون فرزند هستند، این درصد در بین زنان دارای مدرک سیکل و یا بیشتر (سواد بالا) به ۱۸/۲٪ می‌رسد. در سطح میانی، ۵۸/۵٪ از زنان دارای سواد پائین، ۱ تا ۲ فرزند دارند، این درصد در گروه سواد بالا به ۷۲/۷٪ می‌رسد. برعکس، در حالیکه فقط ۹/۱٪ از زنان واقع در گروه سواد بالا، ۳ فرزند و یا بیشتر دارند، این درصد در بین زنان واقع در گروه سواد پائین به ۳۶/۶٪ می‌رسد.

چون مقدار عددی تابع آزمون در ناحیه بحرانی قرار گرفته است، بنابراین فرضیه صفر (H_0) یعنی فرضیه عدم وجود بستگی بین دو صفت وضع سواد زنان و تعداد فرزندان آنان در گروه شاغلین رد می‌شود و فرضیه مقابل (H_1) یعنی وجود بستگی بین دو صفت فوق پذیرفته می‌شود. محاسبه ضریب بستگی با دستور گاما ($G = 0/35683$) نشان می‌دهد که اولاً - بین دو متغیر مورد بررسی رابطه معکوسی وجود دارد. ثانیاً - شدت این رابطه با توجه به تغییرات G نسبتاً متوسط است.

در گروه زنان غیر شاغل رابطه فوق نیز برقرار است با این تفاوت که با توجه به G محاسبه شده که مساوی ۰/۶۲۸۷۹ - می‌باشد، رابطه متوسط متمایل به قوی بین دو متغیر مورد بررسی وجود دارد.

جدول ۷ نشان می‌دهد که در گروه زنان شاغل، بین سن زنان و تعداد فرزندان آنان رابطه معنی داری وجود ندارد، زیرا مقدار عددی تابع آزمون در ناحیه بحرانی قرار نگرفته است. بنابراین

فرضیه صفر (H_0) یعنی فرضیه عدم وجود بستگی بین دو صفت مورد بررسی را در این سطح احتمال نمی توان رد کرد و تا خلاف آن ثابت نشده است به عنوان فرضیه درست می پذیریم. به طور کلی بیش از نیمی از این زنان (۵۷/۷٪) ۱ یا ۲ فرزند دارند. اما در گروه زنان غیر شاغل، با افزایش سن زنان، تعداد فرزندان آنان بیشتر می گردد. چنانچه ملاحظه می کنیم، ۱/۱۶٪ از زنانی که ۲۹ - ۱۵ سال دارند، بدون فرزند می باشند ولی در گروه های سنی بالاتر بدون فرزند مشاهده نمی گردد. در سطح میانی، ۴/۶۲٪ از زنانی که در پائین ترین گروه سنی قرار دارند، صاحب ۱ تا ۲ فرزند می باشند، ولی در بین زنان ۴۰ سال به بالا این تعداد فرزند مشاهده نمی گردد. برعکس ۱۰۰٪ زنان ۴۰ سال به بالا ۳ فرزند و یا بیشتر دارند. این تعداد فرزند در گروه های سنی پائین تر کاهش یافته، در بین زنان ۳۹ - ۳۰ ساله به ۵/۸۷٪ و در بین زنان ۲۹ - ۱۵ ساله به ۵/۲۱٪ می رسد.

چون مقدار عددی تابع آزمون در ناحیه بحرانی قرار گرفته است، بنابراین فرضیه صفر (H_0) یعنی فرضیه عدم وجود بستگی بین دو صفت سن زنان و تعداد فرزندان آنان رد می شود و فرضیه مقابل (H_1) یعنی وجود بستگی بین دو صفت فوق پذیرفته می شود. محاسبه ضریب بستگی با دستور گاما ($G = ۰/۹۳۷۷۲$) نشان می دهد که بین دو متغیر مورد بررسی رابطه مستقیم و بسیار شدیدی وجود دارد.

جدول شماره ۸ نشان می دهد که در گروه زنان شاغل بین درآمد خانواده و تعداد فرزند رابطه معنی داری وجود ندارد، زیرا مقدار عددی تابع آزمون در ناحیه بحرانی قرار نگرفته است. بنابراین فرضیه صفر (H_0) یعنی عدم وجود بستگی بین دو صفت مورد بررسی را در این سطح احتمال نمی توان رد کرد و تا خلاف آن ثابت نشده است بعنوان فرضیه درست می پذیریم. اما در گروه زنان غیر شاغل با افزایش درآمد خانواده تعداد فرزندان بیشتر می گردد، چنانچه ملاحظه می کنیم، ۸/۵۶٪ از زنانی که درآمد خانواده آنان پائین است (۶۴۹۹ - ۳۵۰۰ تومان)، ۱ تا ۲ فرزند دارند. با افزایش درآمد از این درصد کاسته شده و در بین زنانی که در بالاترین گروه درآمد (+۹۵۰۰ تومان) قرار دارند به ۱۰٪ می رسد. برعکس، ۷۰٪ از زنانی که درآمد خانواده آنان بالا است ۳ فرزند و یا بیشتر دارند، با کاهش درآمد از این درصد کاسته شده و در درآمد پائین به ۴/۲۸٪ می رسد.

چون مقدار عددی تابع آزمون در ناحیه بحرانی قرار گرفته است، بنابراین فرضیه صفر (H_0) یعنی فرضیه عدم وجود بستگی بین دو صفت درآمد خانواده و تعداد فرزندان زن رد می شود و فرضیه مقابل (H_1) یعنی وجود بستگی بین دو صفت فوق پذیرفته می شود. محاسبه ضریب بستگی با دستور گاما ($G = ۰/۴۹۵۱۱$) بستگی مستقیم و نسبتاً متوسطی را بین دو متغیر مورد بررسی نشان می دهد.

در نتیجه، زنان شاغل در مقایسه با زنان غیر شاغل در خانواده‌هایی با حجم کمتر زندگی می‌کنند (جدول ۹) که ناشی از فرزند کمتر است و به نوع خانواده آنان بستگی ندارد، زیرا اکثریتی از خانواده‌ها در هر دو گروه (۸۳/۸٪ در گروه زنان شاغل و ۸۲/۳٪ در گروه زنان غیر شاغل) در خانواده‌های از نوع هسته‌ای زندگی می‌کنند نه از نوع گسترده.

چنانچه مقایسه درصدها در جدول ۹ نشان می‌دهد، حجم خانواده ۸۰٪ از زنان شاغل در مقابل ۵۶/۲٪ از زنان غیر شاغل ۲ تا ۴ نفر است. برعکس، حجم خانواده ۴۳/۸٪ از زنان غیر شاغل در مقابل ۲۰٪ از زنان شاغل ۵ نفر به بالا می‌باشد. چون مقدار عددی تابع آزمون در ناحیه بحرانی قرار گرفته است، بنابراین فرضیه صفر (H_0) یعنی فرضیه عدم وجود بستگی بین دو صفت وضعیت اشتغال زنان و حجم خانواده آنان رد می‌شود و فرضیه مقابل (H_1) یعنی وجود بستگی بین دو صفت فوق پذیرفته می‌شود. محاسبه ضریب بستگی با دستور فی ($\phi = 0/255576$) نشانه وجود بستگی نسبتاً ضعیف بین متغیرهای مورد بررسی است.

با توجه به توضیحات فوق، نتایج زیر بدست می‌آید:

- ۱ - تعداد فرزندان دلخواه و واقعی زنان شاغل کمتر از زنان غیر شاغل است.
- ۲ - تعداد فرزندان زنان شاغل با مدت ازدواج آنان رابطه مستقیم و با وضع سواد آنان رابطه معکوس دارد. اما با درآمد خانواده و سن زنان رابطه‌ای ندارد.
- ۳ - تعداد فرزندان زنان خانه‌دار به ترتیب شدت اهمیت با چهار عامل در رابطه است:

الف - مدت ازدواج

ب - سن زن

ج - سطح سواد زن

د - درآمد خانواده

عامل سطح سواد زن رابطه معکوس و سه عامل دیگر، رابطه مستقیم با تعداد فرزندان

دارد.

تحقیقات دیگری که در این زمینه چه در ایران و چه در سایر کشورها انجام شده، به نتایج مشابهی دست یافته‌اند. در ایران - که اینگونه تحقیقات انگشت شمار است - فریدون رحمانی طی یک بررسی نتیجه می‌گیرد که سطح سواد زنان و مشارکت آنان در فعالیت‌های خارج از خانه اثر قاطعی در کاهش باروری و موالید دارد. وی خاطر نشان می‌سازد که مطالعات انجام شده توسط بن - پرات (Ben - Porath)، مارتین دولی (Marthin D. Dooley) و گلن گ. کاین (Glen G. Cain) از دانشگاه شیکاگو، دفتر جمعیت‌شناسی سازمان ملل متحد، مؤسسه تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران و مرکز آمار ایران نیز چنین نتایجی را در بردارد. جرال‌دین بریانت (Geraldine Bryant) در بررسی خود بر روی ۲۲۹۷ زن ۴۴ - ۱۸ ساله امریکائی در

سال ۱۹۶۰، نتیجه می‌گیرد که افزایش کنترل باروری زن، استخدام وی را به دنبال دارد و متقابلاً افزایش استخدام زن ممکن است موجب کنترل بیشتر باروری گردد.^۷

آندره میشل با استناد به آمارهای کشورهای فرانسه و آمریکا نشان می‌دهد که در این دو کشور صنعتی، تعداد کودکان زنان شاغل نسبت به تعداد کودکان زنان غیرشاغل معمولاً کمتر است. اما مشکلات زن شاغل و وظایف دو جانبه او را تنها عامل کاهش تعداد موالید نمی‌داند، بلکه تحول عمومی را که باعث جدائی ازدواج از تولید نسل شده است در این امر نیز دخیل می‌داند.^۸ مطالعات آگ برن و نیم‌کف در آمریکا نشان می‌دهد که استخدام زنان ازدواج کرده تقلیل در اندازه خانوار را به دنبال دارد. یکی از عوامل مؤثر در این تقلیل، کنترل موالید است که خود نتیجه کارکردن زنان می‌باشد، زیرا کارگرفتن را آسان‌تر می‌سازد.^۹

پیشنهادات

چنانچه ملاحظه شد، اثر وضعیت اشتغال زنان و مدت ازدواج و سطح سواد آنان در هر دو گروه زنان شاغل و غیرشاغل بر تعداد فرزند غیرقابل انکار است. بنابراین علاوه بر ارائه خدمات کلینیکی از طرف دولت - حتی به طور رایگان - تدابیر زیر برای کنترل باروری و به تبع آن کاهش رشد طبیعی جمعیت پیشنهاد می‌شود:

- ۱ - ایجاد زمینه‌های مشارکت زنان در فعالیتهای خارج از خانه و اشتغال آنان در بازار کار. ادامه کار زنان خود منوط به ایجاد شرایطی است، منجمله:
 - ایجاد مهد کودکها از طرف دولت با شهریه نازل برای نگهداری فرزندان زیر شش سال زنان شاغل.
 - جلب همکاری مردان در انجام وظایفی که بطور سنتی به عهده زنان گذارده شده است. در این رابطه، وسایل ارتباط جمعی بخصوص تلویزیون با تهیه برنامه‌های مناسبی می‌توانند گام‌های مؤثری در این جهت بردارند. این امر باعث می‌گردد که زنان شاغل به جهت انجام کار بیرون و وظایف خانگی فشار کمتری را تحمل کنند و در نتیجه موجب دلسردی و یا استعفای آنان از کار نگردد.

- ۲ - افزایش امکانات آموزشی و ارتقاء سطح تحصیلات زنان و دختران در قشر کارگر. در این رابطه، با توجه به درآمد نسبتاً پائین خانواده‌های کارگری، پیش‌بینی می‌شود که دولت باید در پرداخت کمک هزینه تحصیلی به آنان، اقدام جدی مبذول دارد.

جدول شماره ۱ - توزیع زنان برحسب نظر تعداد فرزندان دلخواه آنها و به تفکیک وضعیت اشتغال

جمع		غیر شاغل		شاغل		وضعیت اشتغال
		د	ف	د	ف	
د	ف	د	ف	د	ف	فرزندان دلخواه زن
۳۷/۳	۹۷	۲۹/۲	۳۸	۴۵/۴	۵۹	کمتر از ۳
۶۲/۷	۱۶۳	۷۰/۸	۹۲	۵۴/۶	۷۱	۳+
۱۰۰	۲۶۰	۱۰۰	۱۳۰	۱۰۰	۱۳۰	جمع

$$\chi^2 = 7/25192$$

$$\chi^2_{.05, 1} = 3/84$$

$$\phi = 0/16701$$

جدول شماره ۲ - توزیع زنان برحسب تعداد فرزندان دلخواه آنها و به تفکیک مدت ازدواج فعلی و وضعیت اشتغال آنها

جمع	شاغل								وضعیت اشتغال مدت ازدواج	
	۱۱+		۶-۱۰		۱-۵		زیر ۱ سال			
	د	ف	د	ف	د	ف	د	ف		
د	ف	د	ف	د	ف	د	ف	د	ف	فرزند دلخواه
۴۵/۴۵۹	۳۴/۴	۱۱	۲۷/۵	۱۱	۶۴/۶۳۱	۶۰	۶	کمتر از ۳		
۵۴/۶۷۱	۶۵/۶	۲۱	۷۲/۵	۲۹	۳۵/۶۱۷	۴۰	۴	۳+		
۱۰۰	۱۳۰	۱۰۰	۳۲	۱۰۰	۴۰	۱۰۰	۴۸	۱۰۰	۱۰	جمع

$$\chi^2 = 14/72612$$

$$\chi^2_{.05, 3} = 7/81$$

$$Cra. = 0/33657$$

دنباله جدول شماره ۲.

جمع	غیر شاغل								وضعیت اشتغال مدت ازدواج	
	۱۱+		۶-۱۰		۱-۵		زیر ۱ سال			
	د	ف	د	ف	د	ف	د	ف		
د	ف	د	ف	د	ف	د	ف	د	ف	فرزند دلخواه
۲۹/۲۳۸	۱۳/۲	۵	۳۱/۹	۱۵	۳۷/۵۱۵	۶۰	۳	کمتر از ۳		
۷۰/۸۹۲	۸۶/۸	۳۳	۶۸/۷	۳۲	۶۲/۵۲۵	۴۰	۲	۳+		
۱۰۰	۱۳۰	۱۰۰	۳۸	۱۰۰	۴۷	۱۰۰	۴۰	۱۰۰	۵	جمع

$$\chi^2 = 8/51979$$

$$\chi^2_{.05, 3} = 7/81$$

$$Cra. = 0/25600$$

جدول شماره ۳ - توزیع زنان برحسب تعداد فرزندان دلخواه همسر آنها و به تفکیک وضعیت اشتغال

جمع		غیر شاغل		شاغل		وضعیت اشتغال
د	ف	د	ف	د	ف	
۲۸/۵	۷۴	۱۸/۵	۲۴	۳۸/۵	۵۰	کمتر از ۳
۵۰/۴	۱۳۱	۵۶/۱	۷۳	۴۴/۶	۵۸	۳+
۲۱/۱	۵۵	۲۵/۴	۳۳	۱۶/۹	۲۲	نمی داند
۱۰۰	۲۶۰	۱۰۰	۱۳۰	۱۰۰	۱۳۰	جمع

$$\chi^2 = ۱۳/۰۵۲۶۹$$

$$\chi^2_{۰/۹۵, ۲} = ۵/۹۹$$

$$Cra. = ۰/۲۲۴۰۶$$

جدول شماره ۴ - توزیع زنان برحسب تعداد فرزندان واقعی آنها و به تفکیک وضعیت اشتغال

جمع		غیر شاغل		شاغل		وضعیت اشتغال
د	ف	د	ف	د	ف	
۱۵	۳۹	۱۱/۵	۱۵	۱۸/۵	۲۴	بدون فرزند
۵۲/۷	۱۳۷	۴۷/۷	۶۲	۵۷/۷	۷۵	۱ - ۲
۳۲/۳	۸۴	۴۰/۸	۵۳	۲۳/۸	۳۱	۳+
۱۰۰	۲۶۰	۱۰۰	۱۳۰	۱۰۰	۱۳۰	جمع

$$\chi^2 = ۹/۰۷۲۴۰$$

$$\chi^2_{۰/۹۵, ۲} = ۵/۹۹$$

$$Cra. = ۰/۱۸۶۸۰$$

جدول شماره ۵ - توزیع زنان برحسب تعداد فرزندان واقعی آنها و به تفکیک مدت ازدواج فعلی و وضعیت اشتغال آنها

جمع	شاغل								وضعیت اشتغال		تعداد فرزند
	۱۱+		۶-۱۰		۱-۵		زیر ۱ سال		مدت ازدواج فعلی		
	د	ف	د	ف	د	ف	د	ف	د	ف	
	۱۸/۵۲۴	۶/۳	۲	۱۰	۴	۱۶/۷	۸	۱۰۰	۱۰		بدون فرزند
	۵۷/۷۷۵	۴۶/۹	۱۵	۶۵	۲۶	۷۰/۸	۳۴	۰	۰		۱-۲
	۲۳/۸۳۱	۴۶/۹	۱۵	۲۵	۱۰	۱۲/۵	۶	۰	۰		۳+
جمع	۱۰۰	۱۳۰	۱۰۰	۳۲	۱۰۰	۴۰	۱۰۰	۴۸	۱۰۰	۱۰	

$$\chi^2 = ۶۰/۵۷۲۸۳$$

$$\chi^2 \cdot ۰/۹۵,۶ = ۱۲/۶$$

$$G = ۰/۶۱۲۶۹$$

دنباله جدول شماره ۵.

جمع	غیر شاغل								وضعیت اشتغال		تعداد فرزند
	۱۱+		۶-۱۰		۱-۵		زیر ۱ سال		مدت ازدواج فعلی		
	د	ف	د	ف	د	ف	د	ف	د	ف	
	۱۱/۵	۱۵	۰	۰	۲/۷	۱	۲۷/۵	۱۱	۶۰	۳	بدون فرزند
	۴۷/۷	۶۲	۵/۳	۲	۶۳/۸	۳۰	۷۰	۲۸	۴۰	۲	۱-۲
	۴۰/۸	۵۳	۹۴/۷	۳۶	۳۴	۱۶	۲/۵	۱	۰	۰	۳+
جمع	۱۰۰	۱۳۰	۱۰۰	۳۸	۱۰۰	۴۷	۱۰۰	۴۰	۱۰۰	۵	

$$\chi^2 = ۹۲/۲۲۲۸۰$$

$$\chi^2 \cdot ۰/۹۵,۶ = ۱۲/۶$$

$$G = ۰/۹۴۲۳۶$$

جدول شماره ۶ - توزیع زنان بر حسب تعداد فرزندان واقعی آنها و به تفکیک وضع سواد و وضعیت اشتغال آنها

جمع	شاغل						وضعیت اشتغال		
	سیکل به بالا		تصدیق ابتدائی تاسیکل		یسواد تا تصدیق ابتدائی		سواد زن		
	د	ف	د	ف	د	ف	د	ف	
								تعداد فرزند	
	۱۸/۵	۲۴	۱۸/۲	۶	۲۸/۶	۱۶	۴/۹	۲	بدون فرزند
	۵۷/۷	۷۵	۷۲/۷	۲۴	۴۸/۲	۲۷	۵۸/۵	۲۴	۱ - ۲
	۲۳/۸	۳۱	۹/۱	۳	۲۳/۲	۱۳	۳۶/۶	۱۵	۳+
	۱۰۰	۱۳۰	۱۰۰	۳۳	۱۰۰	۵۶	۱۰۰	۴۱	جمع

$$\chi^2 = ۱۵/۱۸۲۱۰$$

$$\chi^2_{.۰/۹۵, ۴} = ۹/۴۹$$

$$G = ۰/۳۵۶۸۳$$

دنباله جدول شماره ۶.

جمع	غیر شاغل						وضعیت اشتغال		
	سیکل به بالا		تصدیق ابتدائی تاسیکل		یسواد تا تصدیق ابتدائی		سواد زن		
	د	ف	د	ف	د	ف	د	ف	
								تعداد فرزند	
	۱۱/۵	۱۵	۱۴/۳	۴	۲۵	۸	۴/۳	۳	بدون فرزند
	۴۷/۷	۶۲	۷۱/۴	۲۰	۵۹/۴	۱۹	۳۲/۹	۲۳	۱ - ۲
	۴۰/۸	۵۳	۱۴/۳	۴	۱۵/۶	۵	۶۲/۹	۴۴	۳+
	۱۰۰	۱۳۰	۱۰۰	۲۸	۱۰۰	۳۲	۱۰۰	۷۰	جمع

$$\chi^2 = ۳۴/۰۰۹۹۴$$

$$\chi^2_{.۰/۹۵, ۴} = ۹/۴۹$$

$$G = ۰/۶۲۸۷۹$$

جدول شماره ٧ - توزیع زنان برحسب تعداد فرزندان واقعی آنها و به تفکیک وضع سن و وضعیت اشتغال آنها

جمع		شاغل						وضعیت اشتغال سن	
		٤٠+		٣٠ - ٣٩		١٥ - ٢٩			
د	ف	د	ف	د	ف	د	ف	تعداد فرزند	
١٨/٥	٢٤	٨/٣	١	١٥/١	٨	٢٣/١	١٥	بدون فرزند	
٥٧/٧	٧٥	٥٠	٦	٥٢/٨	٢٨	٦٣/١	٤١	١ - ٢	
٢٣/٨	٣١	٤١/٧	٥	٣٢/١	١٧	١٣/٨	٩	٣+	
١٠٠	١٣٠	١٠٠	١٢	١٠٠	٥٣	١٠٠	٦٥	جمع	

$$\chi^2 = ٨/٢٣٨٢٦$$

$$\chi^2_{٠.٩٥, ٤} = ٩/٤٩$$

دنباله جدول شماره ٧.

جمع		غیر شاغل						وضعیت اشتغال سن	
		٤٠+		٣٠ - ٣٩		١٥ - ٢٩			
د	ف	د	ف	د	ف	د	ف	تعداد فرزند	
١١/٥	١٥	٠	٠	٠	٠	١٦/١	١٥	بدون فرزند	
٤٧/٧	٦٢	٠	٠	١٢/٥	٤	٦٢/٤	٥٨	١ - ٢	
٤٠/٨	٥٣	١٠٠	٥	٨٧/٥	٢٨	٢١/٥	٢٠	٣+	
١٠٠	١٣٠	١٠٠	٥	١٠٠	٣٢	١٠٠	٩٣	جمع	

$$\chi^2 = ٥٠/٧٦٩٠٣$$

$$\chi^2_{٠.٩٥, ٤} = ٩/٤٩$$

$$G = ٠/٩٣٧٧٢$$

جدول شماره ۸ - توزیع زنان برحسب تعداد فرزندان واقعی آنها و به تفکیک درآمد ماهیانه خانواده و وضعیت اشتغال آنها

جمع		شاغل						وضعیت اشتغال درآمد خانواده	تعداد فرزند
		۹۵۰۰+		۶۵۰۰ - ۹۴۹۹		۳۵۰۰ - ۶۴۹۹			
د	ف	د	ف	د	ف	د	ف		
۱۸/۸	۲۴	۱۹/۶	۱۰	۲۱/۴	۱۲	۹/۵	۲	بدون فرزند	
۵۷/۸	۷۴	۶۲/۷	۳۲	۵۷/۱	۳۲	۴۷/۶	۱۰	۱ - ۲	
۲۳/۴	۳۰	۱۷/۶	۹	۲۱/۴	۱۲	۴۲/۹	۹	۳+	
۱۰۰	۱۲۸	۱۰۰	۵۱	۱۰۰	۵۶	۱۰۰	۲۱	جمع	

$$\chi^2 = ۵/۹۸۹۱۳$$

$$\chi^2_{.۰/۹۵, ۴} = ۹/۴۹$$

دنباله جدول شماره ۸.

جمع		غیر شاغل						وضعیت اشتغال درآمد خانواده	تعداد فرزند
		۹۵۰۰+		۶۵۰۰ - ۹۴۹۹		۳۵۰۰ - ۶۴۹۹			
د	ف	د	ف	د	ف	د	ف		
۱۱/۶	۱۵	۲۰	۲	۲/۶	۱	۱۴/۸	۱۲	بدون فرزند	
۴۸/۱	۶۲	۱۰	۱	۳۹/۵	۱۵	۵۶/۸	۴۶	۱ - ۲	
۴۰/۳	۵۲	۷۰	۷	۵۷/۹	۲۲	۲۸/۴	۲۳	۳+	
۱۰۰	۱۲۹	۱۰۰	۱۰	۱۰۰	۳۸	۱۰۰	۸۱	جمع	

$$\chi^2 = ۱۶/۷۹۱۰۲$$

$$\chi^2_{.۰/۹۵, ۴} = ۹/۴۹$$

$$G = ۰/۴۹۵۱۱$$

جدول شماره ۹ - توزیع زنان بر حسب حجم خانواده آنها و به تفکیک وضعیت اشتغال

جمع		غیر شاغل		شاغل		وضعیت اشتغال	
						حجم خانواده	
د	ف	د	ف	د	ف		
۶۸/۱	۱۷۷	۵۶/۲	۷۳	۸۰	۱۰۴		۲-۴
۳۱/۹	۸۳	۴۳/۸	۵۷	۲۰	۲۶		۵+
۱۰۰	۲۶۰	۱۰۰	۱۳۰	۱۰۰	۱۳۰		جمع

$$\chi^2 = ۱۷/۰۰۷۶۹$$

$$\chi^2_{.۰/۹۵،۱} = ۳/۸۴$$

$$\text{phi} = ۰/۲۵۵۷۶$$

یادداشت‌ها

۱. روزنامه اطلاعات، «جمعیت ایران در ۱۵ سال گذشته ۲۳ میلیون نفر افزایش یافت». شماره ۱۹۸۱۱، ۱۵ دی ۱۳۷۱، ص ۲.
۲. همان.
۳. همان، ص ۴.
۴. منظور از تعداد فرزندان دلخواه، تعداد اولادی است که فرد مایل به داشتن آن می‌باشد صرف‌نظر از تعداد فرزندان واقعی او.
۵. منظور از تعداد فرزندان واقعی، کلیه فرزندان است که از زن مورد نظر متولد شده‌اند (چه از ازدواج حاضر و چه از ازدواج‌های گذشته) و در تاریخ جمع‌آوری اطلاعات هنوز در قید حیات می‌باشند.
۶. فریدون رحمانی. «اثر سواد و اشتغال زنان بر باروری در ایران». رونق، سال اول، شماره ۳. خرداد ۱۳۶۹، ص ۲۹ - ۲۶.
7. Geraldine Bryant. "The Interrelationship between Female Employment and Fertility : A secondary Analysis of the Growth of American Families study". Dissertation Abstracts International. Vol. 34. No.6. Dec. 1973.
۸. آندره میشل. جامعه‌شناسی خانواده و ازدواج. ترجمه فرنگیس اردلان، تهران: انتشارات دانشکده علوم اجتماعی و تعاون دانشگاه تهران، ۱۳۵۴.
9. Ogburn and Nimkoff. Technology and the Changing Family. Cambridge Massachusetts: Houghton Mifflin Company, 1955.

فهرست منابع

۱. رحمانی، فریدون «اثر سواد و اشتغال زنان بر باروری در ایران». رونق. سال اول، شماره ۳. خرداد ۱۳۶۹.
۲. روزنامه اطلاعات، «جمعیت ایران در ۱۵ سال گذشته ۲۳ میلیون نفر افزایش یافت». شماره ۱۹۸۱۱، ۱۵ دی ۱۳۷۱.
۳. روزنامه اطلاعات، «هرسال ۳۳۰ هزار نفر به جمعیت جویای کار در کشور افزوده می شود». شماره ۱۹۸۱۱، ۱۵ دی ۱۳۷۱.
۴. مشهور، حسین. «بررسی جنبه‌هایی از اثرات اشتغال زن در خانواده‌های روستائی اطراف تهران». نامه علوم اجتماعی. دوره ۲، شماره ۲، آذر ۱۳۵۵.
۵. میشل، آندره. «جامعه‌شناسی خانواده و ازدواج». ترجمه فرنگیس اردلان. تهران، انتشارات دانشکده علوم اجتماعی و تعاون دانشگاه تهران، ۱۳۵۴.
6. Bryant, Geraldine. "The Interrelationship between Female Employment and Fertility : " A secondary Analysis of the Growth of American Families study. Dissertation Abstracts International. Vol. 34. No.6. Dec. 1973.
7. Ogburn, W.F. and Nimkoff, M.F. Technology and Changing Family. Cambridge Massachusetts: Houghton Mifflin company, 1955.